

جلسه قرآن محله آبکوه، ۴ دهه است به همت بی بی آمنه قیصری تداوم دارد

رفاقت همسایه ها در سایه رحل قرآن



راه تجربه



از طرفی می دانستند که پدر به ماقرائت را آموزش داده است؛ برای همین از من خواستند در شب قدر به خانه شان بروم تا قرآن و دعای جوشن کبیر را بخوانم. از همان شب ها بود که به اصرار همین همسایه ها، جلسات هفتگی قرآن را راه انداختیم و هر هفته سه شبانه ها جلسات قرآن داریم که به صورت دوره ای در خانه همسایه ها برگزار می شود.

تعریف می کند که خیلی از همسایه ها با اجرای طرح بافت فرسوده آبکوه، خانه های شان را فروختند و از این محله رفتند ولی جلسه به قوت خود باقی مانده است. می گوید: نوبت جلسه به هر کدام که برسد، به خانه او می رویم؛ حالا هر جای شهر که می خواهد باشد.

آموزش با صبر و تکرار

یکی از دلایلی که باعث شده همه خانم ها در این جلسه حضور مستمر داشته باشند و همگی قرآن بخوانند، این است که بی بی آمنه با آرامش از آن ها می خواهد دوباره به کلمه یا آیه مدنظر برگردند و اشتباه شان را تصحیح کنند و حین قرائت، نکات دستوری روخوانی و روان خوانی را به آن ها یادآوری می کند. او می گوید: در این سال ها خیلی ها به همین روش، روخوانی را کامل آموختند و دیگر بدون اشتباه قرآن می خوانند و حتی اشتباه بقیه را هم به درستی می گیرند.

از هفده سال پیش، اعضای جلسه تصمیم گرفتند در ماه مبارک رمضان هر روز یک جزء قرآن بخوانند و بی بی آمنه هم خودش میزبان این جلسات می شود و با کمک خانم ها یک روز هم افطاری دارند. می گوید: هر کس به نیت درگذشتگان، بخشی از افطاری را برعهده می گیرد و سفره می اندازیم. خیلی ساده و بی ریا و خواهرا نه کنار هم افطار می کنیم.

در اینجای زندگی می کردند و خانواده پدری ام روضه خوان بودند و مکتب خانه داشتند. بسیاری از اهالی محله روخوانی و روان خوانی را از اجدادم یاد گرفتند. من هم مثل خانواده ام هر روز صبح که از خواب بیدار می شوم، ابتدا یک آیه قرآن می خوانم. بچه های خوبی دارم و زندگی ام به خوبی می گذرد. و همه این ها را از صدقه سر قرآن و دعای پدر و مادر و اعضای جلسه قرآن می دانم.

جرقه ای در نه سالگی

شروع این جلسات به نه سالگی بی بی آمنه بر می گردد. او می گوید: آن زمان خانم های همسایه خجالت می کشیدند قرآن بخوانند.

میترا صدرا حدود چهار سال از آن روزهای گذرد؛ روزهایی که صدای قرآن، برای اولین بار از خانه پدری بی بی آمنه قیصری در محله آبکوه بلند شد. او که در آن زمان، دختر بچه ای نه ساله بود، روخوانی قرآن را پیش پدرش، سید علی اکبر قیصری، امام جماعت مسجد بنی هاشم^(ع) به خوبی یاد گرفته بود.

صدای خوش بی بی آمنه و تسلطش بر روخوانی قرآن در همان زمان سبب شد خانم های محله اصرار کنند او یک محفل قرآنی در خانه پدرش راه بیندازد و نتیجه اش جلسه هفتگی قرآن متوسلین به چهارده معصوم^(ع) شد.

هفته های گذشت و هر سه شبانه، خانه پدری بی بی آمنه، گرمی شد از زنان و دخترانی که دلشان به خواندن قرآن گرم بود. این جلسه فقط به سه شبانه ها خلاصه نشد. کم کم در ماه رمضان هم صاحب محفل جزء خوانی قرآن شدند و از هفده سال پیش تا امروز، هر سال ماه مهمانی خدا، این خانه میزبان بانوانی است که نه فقط برای یاد گرفتن، که برای گرم شدن دل هایشان، دور هم جمع می شوند.

جلسات قرآن در این خانه حالا دیگر فقط یک کلاس معنوی آموزش نیست؛ تکه ای از زندگی فرهنگی و اجتماعی آبکوه است. اینجا، بین سطرهای قرآن، چیز دیگری هم جاری است؛ محبت و همدلی و برکتی که از آیه ها تامل آدم ها راه پیدا کرده.

میراثی که از خانه پدری آغاز شد

پرچم مشکی بانام جلسه قرآن «متوسلین به چهارده معصوم^(ع)» را جلودر خانه نصب کرده اند تا اعضای جدید جلسه هم به راحتی خانه را پیدا کنند. بی بی آمنه پنجاه و هفت ساله رحل های قرآن را دور تا دور پذیرایی چیده و منتظر مهمان هایی است که هر روز برای قرائت قرآن به خانه اش می آیند.

مشغول تمیز کردن قاب عکس پدر و مادر خدا بیامرزش است و تسبیح پدر را در دست گرفته و ذکر می گوید. ۵۷ سال زندگی اش در پناه قرآن بوده است و این را مدیون پدر خدا بیامرزش می داند. می گوید: پدر مرحومم، سید علی اکبر، از قدیمی های محله آبکوه بود که روخوانی و روان خوانی قرآن را به من آموخت. در واقع چهار نسل قبل از من



نسل ها در امتداد یک صدا

با گذشت سال ها، نسل های مختلف از این محفل بهره بردند. ملیحه عباسی، بیست و چهار ساله و متولد محله آبکوه یکی از همین افراد است. او می گوید: سه نسل است که خانواده مادر این جلسه حضور دارند. از مادربزرگ و مادرم گرفته تا من و خواهرهایم. مادر من را از یک سالگی به این جلسه می آورد. هر چه بزرگ تر شدم علاقه ام به قرآن بیشتر شد. اینجا روخوانی و روان خوانی قرآن را یاد گرفتم و آرامش و رزق و روزی ام را مدیون آن هستم. این جلسات نه تنها به رشد معنوی افراد کمک کرده، بلکه محفل جدیدی برای برقراری ارتباطات مستمر و صمیمی میان افراد محله هم بوده است.



در شادی و غم کنار یکدیگر

یکی از ویژگی های برجسته این محفل، همدلی و حمایت متقابل است. همسایه ها نه تنها در شادی ها، بلکه در غم هایشان در کنار یکدیگرند. عفت مطیع حق، از همسایه های قدیمی محله که چند سالی می شود ساکن کلاهدوز شده است. می گوید: قرآن باعث آرامش و نزدیک شدن همسایه ها به هم شده است. ما اینجا مثل خواهر هستیم. خانه بی بی آمنه خانه دوم ماست. اینجا همه از هم خبر داریم و در شادی و غم هم شریک هستیم. اگر کسی مشکلی داشته باشد، اعضای جلسه دست به دست هم می دهند و هر کاری از دستشان بر بیاید برای او انجام می دهند. اگر کسی بیمار شود، همه به عیادتش می روند و کمک حالش هستند.



جلسه ای برای آرامش و همراهی

در این خانه، قرآن نه تنها وسیله ای برای ارتباط با خداوند است، بلکه ابزاری برای ایجاد پیوند های انسانی عمیق تر میان افراد شده است. اعضای این جلسه، از کوچک و بزرگ، در کنار هم می نشینند و از قرآن درس های اخلاقی و انسانی می آموزند.

سحر مقدسی، شش سال است که یکی از اعضای ثابت این محفل شده است و می گوید: به هر محله ای که برای زندگی می روم، اولین جایی که دنبال آن می گردم، جلسات قرآن خانم هاست. هیچ وقت یاد نمی رود که ماه مبارک رمضان بود و از طریق همسایه ها متوجه شدم بی بی آمنه هر روز در خانه، جلسه قرآن دارد. از وقتی به اینجا آمدم و این دوره می دوستانه و بی ریا را دیدم، جذب آن شدم و سعی می کنم هر هفته و در ماه مبارک رمضان، هر روز به اینجا بیایم. از مهم ترین دستاوردهای قرآن در زندگی ام، آرامش و صبر بوده است.

